

# دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۱۲

## توجیه، شماره ۱، شناسایی تاریخی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد نجات است. این جلسه ۱۲، توجیه، شماره ۱، بررسی تاریخی است.

ما سخنرانی‌های خود را در مورد دکترین نجات ادامه می‌دهیم و توجه خود را به توجیه معطوف می‌کنیم.

در ابتدای این سخنرانی‌ها، گفتیم که الهیات تاریخی را در سه بخش مهم بررسی خواهیم کرد که یکی از آنها عادل‌شمردگی است. در اینجا خلاصه‌ای از آنچه امیدواریم با هم پوشش دهیم، آمده است. پس از مقدمه کوتاه کتاب مقدس، سپس بررسی تاریخی، دیدگاه کاتولیک رومی در مورد عادل‌شمردگی، شورای ترنت و سپس تعالیم کلیسای کاتولیک.

ترنت در اواسط دهه ۱۵۰۰ میلادی است و آن کاتشیزم مربوط به سال ۱۹۹۲ است. و سپس اصلاحات و توجیه. سپس، توجیه، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک، ضرورت آن، منبع آن، اساس آن، وسیله‌ای که ایمان کارساز نیست، و نسبت دادن عدالت مسیح وجود دارد.

این خلاصه‌ی ما بود. دوباره دو خلاصه‌ی کوتاه از کتاب مقدس. عدالت در کتاب مقدس نباید صرفاً به عنوان وفاداری به عهد تعریف شود، بلکه باید به عنوان مطابقت با یک هنجار و مطابقت با یک معیار تعریف شود. و معیار در نهایت شخصیت مقدس خود خداست.

از آنجایی که خدا عادل است، عدالت او هنگامی آشکار می‌شود که شیران را به خاطر گناهشان داوری و مجازات می‌کند. در عین حال، ما عدالت نجات‌بخش خدا را برای کسانی که به نجات او اعتماد دارند، می‌بینیم. همچنین دیده‌ایم که عدالت خدا جنبه‌ی پزشکی قانونی دارد؛ عدالت خدا نیز جنبه‌ی پزشکی قانونی دارد و دگرگون‌کننده نیست.

ما عادل اعلام می‌شویم، نه اینکه عادل ساخته شویم. ضمناً باید اشاره کنم که این دقیقاً درست است. عدالت خدا اعلامی است، جنبه‌ی قانونی دارد، به دادگاه مربوط می‌شود، دگرگون‌کننده نیست.

اما رستگاری هر دو است. رستگاری دگرگون‌کننده است؛ جنبه‌هایی از آن صرفاً عادل‌شمردگی نیستند. ما عادل اعلام می‌شویم، نه اینکه عادل ساخته شویم.

به طرز شگفت‌انگیزی، عدالت نجات‌بخش و عدالت داوری‌کننده خدا بر روی صلیب به هم می‌پیوندند. خدا، با عشق عظیم خود، پسرش را فرستاد تا خشم او را تحمل کند و عشق خود را به جهان نشان دهد. پسر به دلیل عشق عظیمش به پدر و به ما، با میل خود آن خشم را تحمل کرد تا بر روی صلیب، هم قدوسیت خدا، عدالت داوری‌کننده او، و هم رحمت او، عدالت نجات‌بخش او، نمایان شود.

برای کسانی که به مسیح اعتماد دارند، عدالت خدا از طریق اتحاد با مسیح به آنها نسبت داده می‌شود. مؤمنان تنها با ایمان توجیه می‌شوند، و با این حال، همانطور که اغلب گفته می‌شود، چنین ایمانی تنها نیست. اعمال نیک برای توجیه ضروری هستند، اما آنها به عنوان شواهد یا ثمره ضروری توجیه عمل می‌کنند، نه اساس آن.

بررسی تاریخی، دیدگاه کاتولیک رومی در مورد عادل‌شمردگی، شورای ترنت، ۱۵۴۵-۱۵۶۳. الهیات تاریخی برای این موضوع کاملاً ضروری است. ما باید این مباحث را درک کنیم تا آموزه‌های کتاب مقدس را به درستی درک کنیم.

شورای ترنت، یک شورای جهانی کلیسای کاتولیک رومی بود که در ترنت، ایتالیا، در سه جلسه بین سال‌های ۱۵۴۳ تا ۱۵۶۳ برگزار شد. این شورا پاسخ کاتولیک‌ها به الهیات اصلاحات و انتقاد از سوءاستفاده‌های ۱۵۴۵ کلیسای کلیسا بود. اصلاحات، الهیات کاتولیک رومی را مورد انتقاد قرار داد، اما همچنین سوءاستفاده‌های کاتولیک‌های رومی از زندگی را نیز مورد انتقاد قرار داد.

این شورا، به ویژه با توجه به حملات اصلاحات، دکترین روم را روشن و بازتعریف کرد، بسیاری از سوءاستفاده‌های کلیسا را اصلاح کرد و به آنها اعتبار بخشید. اصلاح‌طلبان فقط از این خشمگین بودند که کاهنان، اوه، آنها ازدواج نمی‌کردند، اما صیغه‌ها و انواع فرزندان نامشروع داشتند. روم شرمنده شد.

روم با تلاش برای اصلاح اعمال خود واکنش نشان داد. شورا دکترین روم را روشن و بازتعریف کرد، که با توجه به حملات اصلاحات، دقیق‌تر بود، بسیاری از سوءاستفاده‌های کلیسای رومی را اصلاح کرد و اقتدار پاپ، یعنی اقتدار پاپ، را تقویت کرد. این آغاز اصلاحات متقابل بود که از طریق آن بسیاری از پیروان سابق روم دوباره احیا شدند.

من فقط حقایق تاریخی را ارائه می‌دهم. شورای ترنت بسیاری از آموزه‌های اصلاحات، از جمله «تنها کتاب مقدس» را رد کرد، این دیدگاه که تنها کتاب مقدس مرجع نهایی برای الهیات و اخلاق است. رم گفت نه، این در واقع مرجع ماست، اما این مرجع ما در کنار سنت مقدس است.

آنها دو مرجع هستند و البته، از نظر روم، تناقضی ندارند، و گاهی اوقات، سنت مقدس اطلاعاتی به ما می‌دهد که در کتاب مقدس واقعاً واضح نیست، مثلاً آموزه برزخ. این در کتاب مقدس آموزش داده نشده است. در واقع، روم قبلاً از برخی متون اثبات استفاده می‌کرد، اما عمدتاً آنها را رها کرد زیرا بسیار بد بودند.

اما سنت مقدس آن را تعلیم می‌دهد. خب، همانطور که لوثر گفت، کتاب مقدس باید سنت مقدس را قضاوت کند زیرا از یک طرف با خودش در تضاد است، و از همه مهمتر، گاهی اوقات با کتاب مقدس در تضاد است. بنابراین، روم «تنها کتاب مقدس» را رد کرد، که همانطور که در سخنرانی قبلی گفتم، به این معنی نیست که ما فقط از کتاب مقدس استفاده می‌کنیم، بلکه به این معنی است که کتاب مقدس برتر است.

البته ما به سنت، به عقل خود متوسل می‌شویم؛ آیا می‌توانیم بدون تفکر الهیات انجام دهیم؟ و حتی به تجربه خود، اما منظور از «تنها کتاب مقدس» نه تنها کتاب مقدس، بلکه تنها کتاب مقدس به عنوان معیار اصلی ما، به اصطلاح معیار هنجاری است که در مقام قضاوت بر عقل، سنت‌ها و تجربه ما به عنوان آزمون عالی حقیقت برای هر دو آموزه و اخلاق می‌نشیند. روم همچنین «تنها ایمان» را رد کرد، که توجیه تنها از طریق ایمان است، و آموزش می‌داد که این کار از طریق ایمان و اعمال انجام می‌شود. در ۱۶ پاراگراف، که به آنها فصل می‌گویند، اولین حکم شورا در مورد توجیه، آموزه رسمی کاتولیک رومی را بیان کرد، و در مورد آن اشتباه نکنید، در مخالفت با الهیات اصلاحات.

در اینجا خلاصه‌ای از آن فرمان که در ژانویه ۱۵۴۷ صادر شد، آمده است. شورا از کلمه عدالت استفاده می‌کند، در حالی که ما از کلمه عدالت استفاده می‌کنیم. آنها در واقع مترادف هستند، اما ما می‌گوییم عدالت به ما نسبت داده می‌شود، آنها می‌گویند عدالت مسیح، منظورشان از این عبارت همین است.

آمادگی برای توجیه، اولین چیز، فصل اول، نکته اول. بزرگسالان باید خود را برای توجیه آماده کنند. در سقوط، اراده آزاد ضعیف و خم شد. این یک نقل قول است، اما خاموش نشده است.

قبلاً شنیده‌ایم که فیض ازلی خدا به بزرگسالان اجازه می‌دهد تا خود را به توجیه خودشان تبدیل کنند. ببخشید که دوباره با رضایت آزادانه و همکاری با آن فیض گفته شده، نفسم بند آمده است. توجه کنید که فیض ضروری است، درست است؟ و سقوط بر انسان‌ها، حتی اراده‌ی انسان، تأثیر گذاشت. آن اراده را تضعیف کرد.

آن را در جهت منفی تغییر داد؛ آن را خم کرد، اما آن را خاموش نکرد. به عبارت دیگر، ما از نظر روحی زخمی شده‌ایم اما نمرده‌ایم. علاوه بر این، این مفهوم فیض ازلی، همانطور که در سنت آگوستین می‌بینیم، به معنای فیض خداست که از ایمان جلوگیری می‌کند، مقدم است، مقدم بر ایمان می‌آید.

آیا این یک آموزه کتاب مقدسی است؟ بله. اگرچه من به سختی می‌توانم کلمه فیض را دقیقاً به این شکل پیدا کنم، اما مفهوم آن به وضوح کتاب مقدسی است. فیض خدا قبل از ایمان می‌آید.

اما همانطور که سنت آگوستین گفته است، این فیض صرفاً اراده ما را آزاد نمی‌کند و ما را قادر به انتخاب خدا نمی‌کند، بلکه در واقع ما را نجات می‌دهد. و این فیض عمومی نیست؛ بلکه خاص است. خداوند آن را به قوم خود می‌دهد.

البته، آرمینیوس مخالف بود و تعلیم می‌داد که فیض پیشین جهانی به هر انسانی نازل شده و او را قادر می‌سازد تا به انجیل ایمان بیاورد و نجات یابد. این یک حرکت درخشان است. این چسبی است که الهیات آرمینیوس جان و سلی را به هم پیوند می‌دهد، زیرا او را قادر می‌سازد تا آزادی انسان را در رستگاری حفظ کند، که در واقع همان کاری است که او انجام می‌دهد، و در عین حال، فیض خدا را نیز تصدیق می‌کند.

بنابراین، وسلینیسیم یک الهیات مبتنی بر اعمال نیست، و یک الهیات مبتنی بر فیض و ایمان است. سوال من این است که آیا کتاب مقدس این دیدگاه فیض پیشین جهانی را تعلیم می‌دهد؟ پاسخ خود من این است که اینطور نیست. من قبلاً برایان شلتون، دانشجوی سابقم که یک فرد خدا ترس است، اشاره کردم و ما در مورد بسیاری از موارد توافق نظر داشتیم.

ما در مورد اینکه فیض الهی چیست، اختلاف نظر داشتیم. او یک برادر آرمینیایی است. تا به امروز، ما با هم رفاقت خوبی داریم.

به تشویق من، در کنار کارهای دیگر، او کتابی در مورد فیض الهی نوشت و من دوباره خلاصه آن را برای شما ارائه می‌دهم. بحث خوبی در مورد الهیات تاریخی بود. در مورد سیستماتیک هم کار خوبی انجام داد.

این چسبی است که اصول آرمینیوس انجیلی را در کنار هم نگه می‌دارد. این خیلی بهتر از چارلز فینی، یا نورم گیسلر، یا کلارک پینوک است که این فیض پیشگیرانه جهانی را آموزش نمی‌دهند و بنابراین وصیت‌نامه‌ای مشابه آنچه من در مورد روم خواندم دارند، که واقعاً در بند گناه نیست. اوه بله، وسلی گفت، او مطالب زیادی نوشته است.

یادداشت‌هایی بر کل عهد عتیق، یادداشت‌هایی بر کل عهد جدید، ترجمه کتاب مقدس. نمی‌دانم چند اسب را از دست داد، اما او سوار بر اسب به همه جا می‌رفت و انجیل را موعظه می‌کرد، و انجیل حقیقی را، که ما از آن شادمانیم. او انواع رساله‌ها و کتاب‌های درسی و غیره را نوشت، اما یک کتاب درسی، اگر بخواهید، یک کتاب دانشگاهی، و آن هم در مورد گناه نخستین است، و او به آن اعتقاد داشت.

، اما آنچه را که با یک دست داد، با دست دیگر به دلیل این آموزه فیض پیشینی جهانی، پس گرفت. در واقع چیزی به نام هیچ انسانی که نتواند نجات یابد وجود ندارد، زیرا فیض خدا بر همه نازل می‌شود و اثرات سقوط را در یک زمینه خنثی می‌کند: اراده. بنابراین کتاب‌های الهیات کالوینیستی در مورد ناتوانی گناهکاران برای نجات صحبت می‌کنند؛ بخشی به نام تباهی کامل، ناتوانی وجود دارد.

بهترین کتاب‌های درسی آرمینیوس در مورد توانایی بخشنده صحبت می‌کنند، از نظر فنی ناتوانی را تأیید می‌کنند، اما عملاً چنین چیزی وجود ندارد. به هر حال، همانطور که گفتم، روم نیز مشابه است. برگردیم به کتاب برایان شلتون، او در الهیات تاریخی خوب است، شکی نیست؛ او در این زمینه دکترا دارد. در سیستماتیک خوب است، خدای من، او این را از من یاد گرفت، او یاد گرفت، اما من سعی می‌کنم اینجا بآموزه باشم.

این سیستماتیک آرمینیوس است، اما منطقی، منسجم و کاملاً درست است؛ منطقی به نظر می‌رسد. محوری که همه چیز به آن می‌چرخد، این فیض جهانی و از پیش تعیین شده است که آموزه نجات به آن می‌چرخد. من و او در بسیاری از زمینه‌های دیگر هم نظریه: تثلیث، شخصیت و کار مسیح و غیره.

اما ضعف کتاب خوب او در مورد فیض الهی در مبانی کتاب مقدسی آن است. من از او تشکر کردم؛ او حتی از من نپرسید، اما کتاب را به دو نفر تقدیم کرد، یکی من و معلم سابقم رابرت پترسون، که با بسیاری از چیزهایی که در این کتاب نوشته‌ام مخالف است، زیرا او مرا به نوشتن این کتاب تشویق کرد و با من منصفانه رفتار کرد. خب، ستایش خداوند، درست است.

ترنت می‌گوید که برای توجیه شدن، آمادگی وجود دارد. بله، اراده‌های ما تحت تأثیر سقوط قرار می‌گیرند، اما از بین نمی‌روند. ما می‌توانیم با پذیرش آزادانه و همکاری با فیض پیشین خدا، خود را به توجیه شدن سوق دهیم.

بنابراین، ما فیض را دریافت می‌کنیم و سپس باید با آن همکاری کنیم. وقتی این کار را انجام می‌دهیم، در واقع فیض بیشتری دریافت می‌کنیم که ما را قادر به نجات یافتن می‌کند. تعریف عادل شمردگی، طبق ترنت

عادل شمردگی، اعلام پارسایی نیست. می‌دونی چیه؟ اونا رک و راست هستن، مگه نه؟ اونا به خاطر رک می‌گیرن، اما یه جورایی فیض خدا رو بهشون می‌رسونن. باز هم، پاراگراف‌ها فصل‌ها A بودنشون نمره فصل‌های ۷ و ۱۶ نامیده می‌شن.

فیض خدا ما را قادر می‌سازد تا با عدالت ذاتی خود، عادل شمرده شویم. این همان عدالت، یا به عبارت دیگر عدالت خدا است، زیرا از جانب خدا و از طریق شایستگی مسیح به ما القا شده است. علاوه بر این، عادل شمرده شدن تنها شامل بخشش گناه نیست، بلکه تقدیس و تجدید انسان درونی را نیز در بر می‌گیرد.

فصل ۷ آشکارا برداشت لوتر و کالوین از انجیل را رد می‌کند. عادل شمردگی، اعلام پارسایی است. وقتی می‌گویند که این، تزریق فیض خداست، کلیسای روم پیوسته به پروتستان‌تیسیم به دلیل ارتکاب یک افسانه‌ی حقوقی حمله می‌کند.

اینها حرف‌های من نیست. کارل راینر، فیلسوف بزرگ کاتولیک رومی، که بر شورای دوم واتیکان تسلط داشت، اسنادی از نوع محافظه‌کارانه کاتولیک نوشته بود. همه آنها بر اساس نفوذ قدرتمند او بازنویسی شدند و در نهایت به نقاط قوت و ضعف شورای دوم واتیکان رسیدیم.

چیزهای خوبی هستند. کاتولیک‌ها تشویق می‌شوند که کتاب مقدس را بخوانند و تفسیر کنند. قبلاً، آنها تشویق به خواندن کتاب مقدس نمی‌شدند.

اگر بتوانید باور کنید، آنها اینطور نبودند. حالا هستند. با این حال، کلیسا به سمت شمول‌گرایی سوق داده شد.

خدای من. مفهوم مسیحیت گمنام از نظر رانر. کسانی که نیاز وجودی خود را به خطاب خداوند در جهان، حتی از طریق ادیان جهانی‌شان، احساس می‌کنند، خود را به رحمت خداوند می‌سپارند.

این شمول‌گرایی است. در واقع، جای سوال است که آیا شورای دوم واتیکان به همان اندازه که متکلمان پروتستان لیبرال به جهان‌شمولی امیدوارند، به آن امیدوار است یا خیر. در هر صورت، این یک انتقاد بسیار مهم است.

کارل رانر گفته است که آموزه پروتستانی عدالت منتسب به مسیح، ردایی است که بر روی جسد انداخته می‌شود. این یک افسانه‌ی حقوقی است. من دو پاسخ به این گفته دارم.

اولاً، این یک داستان حقوقی نیست. این یک حقیقت حقوقی است. عناصر جنبه‌های کاربرد رستگاری از حوزه‌های مختلفی سرچشمه می‌گیرند.

دو تا از آنها قانونی هستند. فرزندخواندگی در دادگاه خانواده است. بعد از بررسی توجیهات به آن خواهیم پرداخت.

خدا افراد خانواده‌اش را به فرزند قبول می‌کند؛ او ایمانداران به مسیح را به عنوان منجی در خانواده‌اش قرار می‌دهد. او آنها را در خانواده‌اش می‌پذیرد و آنها را پسران یا دختران خود می‌نامد. این در دادگاه خانواده است.

توجیه بدون عذرخواهی یک دکترین قانونی است. این در بخش جنایی دادگاه است که در آن خدا به عنوان پدر، هر کسی را که به عیسی ایمان بیاورد و خدا عدالت نجات‌بخش مسیح را به او نسبت دهد، عادل اعلام می‌کند. این یک داستان حقوقی نیست.

این یک حقیقت قانونی است. علاوه بر این، این تصور که ردایی بر روی جسد انداخته شود کاملاً اشتباه است، زیرا، بله، دو مورد از هشت یا ده جنبه‌ی کاربرد رستگاری، بستگی به این دارد که چگونه آنها را بشمارید. آیا ایمان و توبه دو مورد هستند، یا تبدیل شدن یک مورد، مثل این؟ برای من فرقی نمی‌کند.

دو مورد از آنها قانونی هستند، فرزندخواندگی و عادل‌شمردگی، اما همه آنها قانونی نیستند. برخی از آنها دگرگون‌کننده هستند. همانطور که دیده‌ایم، تجدید حیات شامل اعطای حیات جدید توسط خداوند به گناهکاران است و این دگرگون‌کننده است.

در واقع، من هیچ مشکلی ندارم که آن را تزریق فیض بنامم. اما توجیه، تزریق فیض نیست. خدای من، گفتن اینکه توجیه تزریق فیض است، اشتباه گرفتن انجیل با زندگی مسیحی است.

و بنابراین حتی امروز، ما با دوستان، دوستان خوب و همسایگان، نه تنها کاتولیک، بلکه پروتستان، ملاقات می‌کنیم که می‌خواهند با مسیحیان خوب بودن، قوم خدا شوند. نه، شما با ایمان به عیسی، مرد یا زن خدا می‌شوید. و بله، شما می‌خواهید برای او زندگی کنید، اما کارهای خوب شما هرگز شما را نجات نخواهد داد.

خدا روح القدس را به ما عطا می کند. این تزریق فیض است. ما فیض را دریافت می کنیم.

این دگرگون کننده است. بنابراین، اگر ما را با هم ترکیب کنیم، اگر ما، توجیه دگرگون کننده نیست، بلکه اعلانی است، قانونی است، جایش در دادگاه است. با این حال، به تنهایی نیست.

خدا دوباره زنده می کند. خدا قوم خود را تقدیس می کند، نه تنها آنها را یک بار برای همیشه به عنوان قدیس، قدیسان در تقدیس اولیه، معرفی می کند، بلکه روح خود را به آنها می دهد و شروع به دگرگون کردن زندگی آنها می کند. بنابراین، با احترام به صراحت روم، این شرم آور است.

عادل شمردگی، تزریق فیض خدا نیست. همانطور که می بینیم، دقیقاً اعلام پارسایی است. ضمناً، من با نظام مندی مشکل دارم.

آیا الهیات تاریخی را در اولویت قرار می دهید و سپس تفسیر و سیستماتیک را در پرتو آن انجام می دهید؟ این کاری است که این بار انجام می دهیم. این موضوع قابل بحث است. یا آن را بعد از تفسیر، شاید قبل از سیستماتیک، یا بعد از تفسیر، بعد از سیستماتیک قرار می دهید تا آن را ارزیابی کنید؟ نمی توانید برنده شوید.

بنابراین، من این کار را اینجا با جزئیات انجام می دهم و بعداً به آن اشاره خواهم کرد. به هر حال، چه خوب و چه بد. ایمان و توجیه، طبق گفته ترنت.

ما، به نقل از، به وسیله ایمان عادل شمرده می شویم زیرا ایمان آغاز رستگاری انسان، پایه و اساس و ریشه همه عادل شمردگی است. این فصل ۸ است. اعمال نیک، شایستگی و عادل شمردگی، به نقل از، زندگی ابدی به کسانی که تا به آخر خوب کار می کنند و به خدا امیدوارند، پیشنهاد می شود، هم به عنوان لطفی که از طریق عیسی مسیح به فرزندان خدا وعده داده شده است و هم به عنوان پاداشی که طبق وعده خود خدا، به اعمال نیک و شایستگی های آنها با وفاداری داده می شود. این می گوید که هم ایمان است و هم عمل.

یک بار دیگر. حیات جاودان از آن کسانی است که تا به آخر خوب کار می کنند و به خدا امید دارند، هم به عنوان فیضی که از طریق عیسی مسیح به فرزندان خدا وعده داده شده است. آمین، می توانم در مورد آن بخش آمین بگویم.

این... و این من را به خود جذب می کند. و به عنوان پاداشی که طبق وعده خود خدا، به اعمال و شایستگی های خوب آنها صادقانه داده می شود. نه.

تنها کار نیک که ما را نجات می دهد، کار نیک عیسی بر روی صلیب است. کالوین همچنین بخشی از کتاب مبادی، کتاب سوم، فصل یا چیزی شبیه به آن، تحت عنوان توجیه دارد. مسیح برای ما شایسته فیض و رستگاری شد.

این درست است. این درست است. و ما از این بابت خوشحالیم.

و ما اذعان داریم که رستگاری از طریق اعمال است. اما اعمال عیسی، نه اعمال ما. افزایش عادل شمردگی.

نفسم بند می آید. افزایش عادل شمردگی. مردم، به قول معروف، از طریق رعایت احکام خدا و کلیسا، و ایمانی که با اعمال نیک همراه است، عادل شمرده شده اند.

افزایش آن عدالت، بخوانید پارسایی، که آنها از طریق فیض خدا دریافت کرده‌اند و همچنان بیشتر توجیه می‌شوند. این یک الهیات مبتنی بر شایستگی است. مردم، به قول معروف، از طریق رعایت احکام خدا و کلیسا توجیه شده‌اند.

نه. نه. فقط از طریق ایمان به مسیح

تنها از طریق فیض، تنها از طریق ایمان، تنها در مسیح. به گفته‌ی ترنت، ایمان با اعمال نیک همراه است. آنها در آن عدالت یا راستی که از طریق فیض مسیح دریافت کرده‌اند، افزایش می‌یابند و بیشتر توجیه می‌شوند.

افزایش عدالت مسیح که به حساب بانکی معنوی ما واریز می‌شود، غیرممکن است. به همین دلیل است که خدا ما را می‌پذیرد. به همین دلیل است که اصلاح‌طلبان دکترین تضمین رستگاری را دارند.

زیرا اگر به شایستگی من بستگی داشته باشد، اگر به افزایش عدالت خدا که از روی رحمت به من داده شده بستگی داشته باشد، هرگز از رستگاری مطمئن نخواهم بود. این الهیات، افراد را ریاکار یا افسرده می‌کند. من با روحیه‌ای بدجنسانه صحبت نمی‌کنم، اما به عنوان یک الهی‌دان تفسیرگر برانگیخته می‌شوم.

اطمینان از رستگاری. بفرمایید. این اعتماد بیهوده‌ی مرتدانی است که ادعا می‌کنند گناهانشان بخشیده شده یا به آن می‌بالند. اینها نقل قول‌ها هستند، اعتماد بیهوده‌ی مرتدان، نقل قول‌هایی که ادعا می‌کنند گناهانشان بخشیده شده است، و نقل قول‌هایی که به اطمینان و یقین به بخشیده شدن گناهانشان می‌بالند یا به آن می‌بالند.

هنوز نقل قول می‌کنم. بلکه، کسی که تا به آخر استقامت کند، نجات خواهد یافت، نقل قول نزدیک. بنابراین، نقل قول کنید، هیچ کس در اینجا به خود چیزی را به عنوان یقین مطلق وعده ندهد.

این اطمینانی است که از جانب کلام خدا به گناهکاران مؤمن داده شده است، مبنی بر اینکه هر کسی که به خداوند عیسی مسیح اعتماد کند، هیچ محکومیتی برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، وجود ندارد. رومیان ۸:۱. اینکه هیچ چیز ما را از عشق مسیح عیسی، پروردگار ما، جدا نخواهد کرد، رومیان ۸:۳۸ و ۳۹. این یک اطمینان کتاب مقدسی از گناهکارانی است که به عیسی به عنوان خداوند و نجات دهنده اعتماد دارند. و، بله، این نه تنها شامل نسبت دادن عدالت مسیح به آنها می‌شود، بلکه طبق رومیان ۴، شامل عدم نسبت دادن گناهان نیز می‌شود، که پولس از مزمو ۳۲ نقل قول می‌کند.

خوشا به حال آن مرد یا زن. خوشا به حال کسی که خطایش بخشیده شده و گنااهش پوشیده شده است. خوشا به حال کسی که خداوند هیچ گناهی را علیه او به حساب نمی‌آورد و در وحش هیچ فریبی نیست.

در رومیان ۴، پولس دقیقاً با همین عبارات از عدالت مسیح سخن می‌گوید. او می‌گوید کسی که خدا عدالت را جدا از اعمال به او نسبت می‌دهد، واقعاً خوشا به حال اوست. و او همانجا از مزمو ۳۲ نقل قول می‌کند که در واقع از نظر فنی درباره عدم احتساب گناهان صحبت می‌کند.

انتساب مثبت عدالت مسیح معادل عدم انتساب گناهان است. بله، ما باید تا انتها استقامت کنیم تا نجات یابیم، همانطور که هنگام مطالعه آموزه استقامت مقدسین خواهیم دید. اما ما این کار را انجام می‌دهیم، باید این کار را انجام دهیم، و این کار را با فیض غالب خدا انجام خواهیم داد.

، حفاظت خدا، پایداری ما را تا به آخر تضمین می‌کند. ما به خودمان چیزی قول نمی‌دهیم. خدا قول می‌دهد، همانطور که در اول یوحنا ۵ آمده است. من این چیزها را می‌نویسم، اول یوحنا ۱۲: ۵. یوحنا می‌گوید این چیزها را برای شما که به نام پسر خدا ایمان دارید می‌نویسم تا بدانید که حیات جاودان دارید.

در واقع، روم، تضمین نجات را به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا به برخی از قدیسان برتر تعلیم می‌داد. اول یوحنا ۱۲: ۵ برای قدیسان برتر نوشته نشده است. این آیه برای مسیحیان گوناگونی نوشته شده است که در بستر تاریخی خود، توسط معلمان دروغینی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند که مسیح‌شناسی و اخلاق مسیحی ناقصی را آموزش می‌دادند و افرادی را که به این آموزه‌های دروغین اعتقاد نداشتند، طرد می‌کردند و خاک پای آنها را می‌تکاندند و آنها را به جماعتی آسیب‌دیده و رنج‌دیده تبدیل می‌کردند.

یوحنا برای آنها می‌نویسد، شما می‌دانید که دوباره متولد شده‌اید، زیرا ایمان دارید که عیسی، مسیح، پسر خداست که خون خود را برای بخشش گناهان ما ریخت. او برای آنها می‌نویسد، شما می‌دانید که دوباره متولد شده‌اید، زیرا خدا به شما از طریق روح خود می‌آموزد که یکدیگر را دوست داشته باشید. شما می‌دانید که دوباره متولد شده‌اید، زیرا مانند قبل از نجات، گناه نمی‌کنید.

شما عدالت را به جا می‌آورید، چنانکه عیسی مسیح عادل است. این را به شما می‌نویسم، اول یوحنا ۱۲: ۵، که به نام پسر خدا ایمان دارید، تا بدانید که حیات جاودان دارید. از دست دادن عادل‌شمردگی

این یکی از اسناد شورای ترنت است که روم آن را به اندازه شورای نیقیه یا شورای کالسدون، که در آن به توافق قطعی مسیح‌شناسی دست یافت، یک شورای جهانی کلیسای مسیحی می‌داند. از دست دادن توجیه نقل قول: خداوند کسانی را که زمانی به لطف او توجیه شده‌اند، رها نمی‌کند، مگر اینکه ابتدا خودشان او را رها کرده باشند.

، هنوز نقل قول می‌کنم، که در آن هیچ‌کس نباید خود را تنها با ایمان ستود. نقل قول: فیض آشکار توجیه فیض پذیرفته‌شده‌ی توجیه است، فیض تأسف‌بار توجیه نه تنها با کفر، یعنی بی‌اعتقادی، که به موجب آن حتی خود ایمان نیز از دست می‌رود، بلکه با هر گناه کبیره‌ی دیگری نیز از بین می‌رود. با این حال، ایمان از بین نمی‌رود.

روم بین گناهان کبیره و گناهان انکاری تمایز قائل می‌شود. اولی گناهانی هستند که ما را در نظر خدا محکوم می‌کنند. دومی گناهان صغیره هستند.

و اینجا دارند آموزش می‌دهند که هر گناه کبیره‌ای شامل از دست دادن عدالت، پارسایی و عادل‌شمردگی می‌شود. و خدا تا زمانی که ما به او بچسبیم، ما را نگه می‌دارد. هیچ‌کس نباید خود را صرفاً با ایمان گول بزند.

قوم خدا که به عیسی ایمان دارند، خودستایی نمی‌کنند. آنها در خداوند عیسی مسیح و خون نجات‌بخش و عدالت او می‌بالند. و از بخشش رایگان گناهان و اطمینان از رستگاری در مسیح بهره‌مند می‌شوند.

بازیابی عادل‌شمردگی. کسانی که به واسطه فیض عادل‌شمرده می‌شوند، اگر از دین خارج شوند، نقل قول می‌کنند، شاید دوباره از طریق آیین توبه عادل‌شمرده شوند. نقل قول بسته

این شامل توبه، اعتراف، بخشش و رضایت می‌شود، نه برای مجازات ابدی، که همراه با گناه بخشیده شده توسط آیین مقدس است، بلکه برای مجازات دنیوی. این در فصل ۱۴ بیانیه‌های شورای ترنت آمده است.

در اینجا الگو، دستورالعمل‌ها و مراحل بخشش روم آمده است. هیچ‌کس مرتکب گناه جدی نمی‌شود. پشیمانی، اعتراف، تپه، رضایت

توبه، یک غم و اندوه و پشیمانی جدی درونی برای آن گناهان است. اعتراف، اذعان به آن گناهان. رک و صریح و آشکار در خلوت نزد کشیشی که توسط اسقف در کلیسای کاتولیک روم منصوب شده است

آمزش، شنیدن سخنان بخشش کاهنان در همان زمینه. و سپس رضایت، انجام برخی کارها با رضایت، ارائه «اعمال انسانی برای نشان دادن واقعیت اعتراف ما. گفتن فراوان «درود بر مریم»، گفتن فراوان «پدران ما، دعای ربانی و غیره

روم هفت آیین مقدس دارد. یکی توبه یا اعتراف است. طبق گفته روم، این کار مجازات ابدی را می‌بخشد

مجازات دنیوی برای کاهش سال‌های حضور در برزخ ضروری است. اگر نگوییم، اسناد شورای دوم واتیکان آموزه‌های رم در مورد برزخ را تقویت می‌کنند. چطور ممکن است غیر از این باشد؟ اظهارات یک شورا یا سخنرانی پاپ در جایگاه والای روحانی

یعنی، هر گفته‌ی پاپ، جزم نیست، بلکه گفته‌های پاپی است که در مقام رسمی خود بر کرسی پطرس اعلام شده است. آن گفته‌ها و گفته‌های شوراها نه تنها دکترین، بلکه جزم محسوب می‌شوند. آنها قابل تغییر نیستند و کاتولیک‌ها باید به آنها ایمان داشته باشند تا کاتولیک‌های وفادار باشند

حالا، کاتولیک‌های آمریکایی وفادار نیستند؛ آنها به چیزی که می‌خواهند اعتقاد دارند. یکی از دوستان من در کالج ژنو در نزدیکی پیتسبورگ تدریس می‌کرد، و کالج‌های مسیحی مختلف رویکردهای متفاوتی دارند. آنجا یک منطقه‌ی بسیار کاتولیک رومی بود

ژنو دانش‌آموزان کاتولیک رومی را می‌پذیرفت و به آنها ایمان اصلاح‌شده و ایمان انجیلی و اصلاح‌شده را آموزش می‌داد. یکی از دوستانم به کلاسی حدود ۱۰۰ دانش‌آموز درس می‌داد و پس از اینکه اعتماد آنها را به عنوان یک معلم کتاب مقدس و به عنوان یک مرد خدا که آنها را صرف نظر از پیشینه‌شان دوست دارد، جلب کرد گفت: چند نفر از شما کاتولیک رومی هستید؟ نیمی از دست‌ها بالا رفت. چند نفر از شما به برزخ اعتقاد دارید؟ تعداد انگشت‌شماری دست بالا رفت

اونا حق ندارند اینجوری انتخاب کنن. این آمریکایی بودن، نه کاتولیک بودن. اوه، قول میدم

به هر حال، عادل شمردگی یا پارسایی یا عدالت می‌تواند از دست برود، اما می‌توان آن را دوباره از طریق رازهای کلیسا به دست آورد: استقامت و عادل شمردگی. نقل قول: ترنت تعلیم داد که اگر کسی تا به آخر استقامت کند، نجات خواهد یافت

در ادامه، در واقع این درست است، اما باید به درستی در چارچوب مجموعه‌ای از برداشت‌های الهیاتی درک شود. در ادامه، گذار از اولین حکم در مورد توجیه به احکام شرعی صورت می‌گیرد. ما از احکام در فصل‌ها به احکام شرعی حرکت می‌کنیم

پس از این آموزه کاتولیک در مورد توجیه، این یک نقل قول است که هر کسی که آن را با ایمان و قاطعیت دریافت نکند، نمی‌تواند توجیه شود. به نظر شورای مقدس، مجمع عمومی، خوب بوده است که این اصول را به هم پیوند دهد تا همه نه تنها بدانند که چه چیزی را باید نگه دارند و دنبال کنند، بلکه از چه چیزی باید

اجتناب کنند و از آن اجتناب کنند. این یک نقل قول است، این یک گذار از اظهارات به اصول است. پس از این آموزه کاتولیک در مورد توجیه که در آنچه خلاصه کردم بیان شد، پیچیده‌تر می‌شود.

من مهم‌ترین بخش‌ها را ارائه دادم. هر کسی که با ایمان و قاطعیت دریافت نکند، نمی‌تواند عادل شمرده شود. به نظر شورای مقدس خوب بوده است که این موارد را به هم پیوند دهد، این اصول را اضافه کند، تا همه نه تنها بدانند که چه چیزی را باید نگه دارند و دنبال کنند، بلکه بدانند که از چه چیزی باید اجتناب کنند و دوری کنند.

پس، در ۳۳ قانون، می‌توانید خوشحال باشید. من فقط سه قانون به شما می‌دهم. در ۳۳ قانون و بیانیه، شورا همه کسانی را که با دکترین کاتولیک مخالف هستند محکوم می‌کند. در اینجا یک نمونه آورده شده است.

من این را به عنوان کسی می‌خوانم که بارها الهیات جان کالوین و الهیات مارتین لوتر را تدریس کرده است. می‌دانم مخاطب این احکام کیست؛ ببخشید، این یک بازی بد، یک جناس بد است. حکم شماره نه، اگر کسی بگوید که تنها با ایمان، کافر به گونه‌ای توجیه می‌شود که به این معنی باشد که هیچ چیز دیگری برای همکاری جهت کسب فیض توجیه لازم نیست و به هیچ وجه لازم نیست که او با حرکت اراده خود آماده و کنار گذاشته شود، لعنت بر او باد.

یعنی ملعون. من آن را ترجمه می‌کنم. اگر کسی بگوید که تنها با ایمان، بی‌خدایان به گونه‌ای عادل شمرده می‌شوند که منظورش این باشد که برای کسب عادل شمرده شدن، هیچ کار دیگری لازم نیست انجام شود و به هیچ وجه لازم نیست که شخص با اراده آزاد خود آماده شود، لعنت بر او باد.

باز هم، آنها طفره نمی‌روند و اظهارات مبهمی ارائه نمی‌دهند، درست است؟ شاید حالا می‌بینید، متوجه شده‌اید که چرا فکر می‌کنم این مهم است. طبق قانون ۱۱، اگر کسی بگوید که انسان‌ها یا تنها با انتساب عدالت مسیح، یا تنها با بخشش گناهان، به استثنای فیض و محبت، که توسط روح القدس در قلب‌هایشان ریخته می‌شود و ذاتی آنهاست، عادل شمرده می‌شوند، یا حتی بگوید فیضی که ما به وسیله آن عادل شمرده می‌شویم فقط لطف خداست، لعنت بر او باد. ترجمه، اگر کسی بگوید که مردم یا تنها با عدالت مسیح که به آنها نسبت داده می‌شود یا با بخشش گناهان، عادل شمرده می‌شوند، فیض و عشقی را که توسط روح القدس در قلب‌های ما ریخته می‌شود و به آنها القا می‌شود، نادیده می‌گیرند، یا اینکه فیض صرفاً به معنای لطف خداست، لعنت بر او باد.

دقیقاً همان چیزی است که لوتر گفت. این حسن نیت خداست وقتی که ما سزاوار بدخواهی او هستیم. این پذیرش خداست وقتی که ما سزاوار ناخشنودی او هستیم.

روم صرفاً با این چیزها مخالف نیست. اول از همه، وقتی آنها آموزه خود را مطرح می‌کنند، سپس، در مرحله‌ی گذار، می‌گویند که شما باید به آن ایمان بیاورید تا نجات یابید. اگر این کار را نکنید، گمراه می‌شوید.

حالا می‌گویند اگر به آموزه اصلاحات اعتقاد داشته باشید، ۳۳ بار نفرین شده‌اید. آخرین موردی که می‌خواهم به شما بدهم، خود شماره ۳۳ است. اگر کسی بگوید که طبق آموزه کاتولیک، با حروف بزرگ، در مورد توجیه توسط این شورای مقدس که در این فرمان آمده است، اگر کسی بگوید که جلال خدا یا شایستگی‌های خداوند عیسی مسیح به هر نحوی از بین رفته است، و نه اینکه حقیقت ایمان و جلال، در نهایت جلال خدا و عیسی مسیح برجسته‌تر شده است، بگذارید باشد، می‌دانید چیست؟ ببخشید، یا می‌خندم یا گریه می‌کنم.

اگر کسی بگوید که این آموزه رسمی شورای ترنت، اصول اعتقادی کاتولیک رومی در مورد توجیه را که در این اظهارات به صورت مثبت و منفی بیان شده است، بیان می‌کند و این آموزه به جای بیان حقیقت ایمان و

ترویج جلال خدا در مسیح، از جلال خدا یا شایستگی‌های مسیح می‌کاهد، لعنت به او. در سخنرانی بعدی‌مان، مدرن‌تر خواهیم شد و به کاتشیزم کلیسای کاتولیک، ۱۹۹۲ خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد نجات است. این جلسه ۱۲، توجیه، شماره ۱، شناسایی تاریخی است.